



اگر شما نظر سنجی‌ها را نگاه کنید آنهایی که جایگاه برتر را داشتند به ترتیب آقای قالیباف، آقای ولایتی و بایک فاصله بیشتری آقای حداد عادل بود و در جریان اصلاحات هم آقای عارف بود و جناب آقای روحانی که اگر موقعیت‌های اینها را نگاه می‌کردید موقعیت‌های پایینی بود. این بود که روزهای آخر با توجه به استعفاي جناب آقای عارف از آن طرف و با توجه به سر موضع باقی ماندن سه کاندیدای ائتلافی این طرف تا پایان کار، تقریباً تا نزدیک‌های آخر، موقعیت آقای روحانی موقعیت ویژه‌ای شد.

■ یعنی چون در نظر سنجی‌ها بالا نبودند حمایت نکردید؟

نه، دلیل اصلی این نبود.

■ یعنی اگر در نظر سنجی‌ها در رتبه‌های بالا بودند در جامعه روی ایشان بحث می‌شد؟

ای بسا شاید. نمی‌دانم، الان نمی‌توانم این را بگویم.

■ جامعه که احساس پشیمانی ندارد؟

نه، اصلاً.

■ جامعه روحانیت بنای حضور در مسائل سیاسی پیش رو را دریافته؟

مطمئنم، روحانیت مبارز یک جمعیتی است که همیشه باید در مسائل سیاسی فعال باشد و باید حضور داشته باشد؛ چرا که آن هم اقتضای زحمات این تشکل است که تشکلی روحانی و سیاسی است و هم بسیاری از مردم و متدینین و حتی گاهی اوقات بعضی از احزاب، چشم انتظار ندومی پرسند، بنابراین نمی‌تواند ساکت یا منفعل باشد.

■ این سؤال را از این نظر پرسیدم که شما به نوعی شاید جزو نیروهای جوان جامعه باشید. آیا جامعه روحانیت در فعالیت‌ها، در تشکیلات و کادر سازی خود باز نگری کرده است؟

چند بار این کار را کردند، یک دوره سال ۸۲ بود.

■ بعد از آن دوران که شما آمدید باز هم نوگرایی شد؟

باز در یک دوره دیگر. چند نفر سال گذشته به جمعیت جامعه اضافه شد، البته به دلیل فوت تعدادی از اعضا.

■ آیا جامعه قصد ایجاد تشکیلات را در کل کشور دارد؟

البته در اساسنامه ما جامعه روحانیت مبارز یک جامعه روحانیت سراسری است، منحصراً به تهران نیست و در تهران هم شاخه‌هایی دارد.

■ برای بحث کادر سازی و نیرو سازی؟

مالان در قالب استان‌ها، جامعه روحانیت داریم.

■ سؤالی که مطرح است اینکه تا وقتی که این گروه‌های قدیمی اصطلاحاً همسویا جامعه بودند بیشتر به جامعه روحانیت علاقه‌مند و وفادار بودند. وقتی که گروه‌های جدید تر ظهور کردند و جوان تر ها به میدان آمدند یک مقدار کمتر یا گاهی فاصله گرفتند؟

آنچه مهم است، جامعه روحانیت هیچگاه نخواسته خودش را تحمیل کند، بلکه بنایش بر این بوده در مسائل سیاسی و از جمله انتخابات دیدگاه خودش را مطرح کند. نظر خودش را برای جامعه و مردم مطرح کند. احزاب هم استقبال می‌کردند و به میدان می‌آمدند و خودشان را همسوزان می‌دادند، اگر چه احیاناً این مسأله در شرایط افت و خیز قرار می‌گرفت.

■ حاج آقا در صحبت‌هایتان اشاره کردید که در دانشگاه‌های مختلف و برای افراد مختلف تقریباً خیلی بحث اقتصاد اسلامی را تدریس کردید، ضمن اینکه در مجلس، کمیسیون تلفیق و بودجه هم حضور و در میدان عمل هم با اقتصاد سرو کار داشتید. اما پس چرا این اقتصادی که شما در سش را در دانشگاه خواندید در جامعه و رو دو ظهور پیدا نمی‌کند؟

اولاً باید گفت که قانون اساسی ما بر اساس مبانی اسلام شکل گرفت از جمله اصول اقتصادی آن، بر اساس مبانی اقتصادی اسلامی و دیدگاه‌های متفکرانی است که در آغاز انقلاب حضور داشتند، البته از شهید بهشتی و دیدگاه‌های شهید مطهری هم استفاده شد و مؤثر بود، برای اینکه قانون اساسی ما بر این مبنا شکل گیرد. آنچه مهم است عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی است و این هم تا حدود زیادی به مدیریت اجرایی کشور برمی‌گردد. متأسفانه مدیریت اجرایی کشور اقبال چندانی به اقتصاد اسلامی نشان نداده است.

■ در همه دوره‌ها این عدم اقبال بود؟

اقبال در دوره قبل بیشتر بود، میدان بیشتری دادند و اقبال بیشتری کردند؛ ما شاهد نوعی حمایت‌ها بودیم، ولی نه اینکه خیلی روی این مسأله پافشاری داشته باشم.

■ چرا این اقتصادی که همه جامی گویم اسلامی شود، عملاً نمی‌شود؟ رؤسای جمهوری هم در سخنرانی‌هایشان ابراز علاقه می‌کنند، اما عملاً ما به این سمت حرکت نمی‌کنیم.

ما با مجموعه‌ای از ساختار مدیریتی روبه‌رو هستیم که سخت است و انعطاف‌پذیر نیست و طبعاً در چنین شرایطی تا آن عزم لازم در مدیریت اجرایی کشور پدید نیاید

نمی‌تواند این تغییر و تحول را که نیازمند شجاعت است، پدید آورد.

■ شما سه دوره نماینده مجلس بودید، چرا در این سه دوره برای اجرایی کردن این مباحث اقدامی نکردید؟

در مجلس، یک نفر به تنهایی نمی‌تواند نقش آفرینی کند، بله اگر یک گروه منسجم باشند و در این مسائل با هم، هم موضع و هم فکر باشند و کار مشترک بکنند، به طور جمعی می‌توانند در مجلس اثر گذار باشند، کما اینکه در مجلس هفتم تا حدودی این روش را داشتیم. ما تعدادی از چهره‌های خیلی خوب را داشتیم دکتر سبحانی، دکتر دانش جعفری، دکتر خوش چهره، دکتر توکلی و دکتر نادران و تعدادی دیگر.

■ در دولت نهم این چهره‌ها تأثیر گذار بودند؟ برای من که جای ابهام دارد.

اتفاقاً در آن دوره گام‌هایی برداشته شد، ولی دیگر دوره بعد مثلاً آقای خوش چهره و دکتر دانش جعفری نبودند، باز یک دوره بعد آقای سبحانی دیگر نبود، بعد هم آن جمع دیگر حالت جمعی را ادامه نداد، اینهایی تأثیر نیست.

■ سیاست‌های کلان نظام که مبتنی بر اقتصاد مقاومتی است!

کاملاً. این اقتصاد مقاومتی ظرایف بسیار زیادی دارد که مبتنی بر اقتصاد اسلامی است و خود سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که ارائه شد اصولاً مبتنی بر نگاه اسلام به نقش دولت و نقش مردم، بخش خصوصی و بخش تعاونی حکایت از ظهور و بروز قانون اساسی ماست، اینها بسیار مؤثر واقع شده ولی آنچه که خیلی مهم است و نقش دارد، مدیریت اجرایی کشور است که باید اهتمام لازم را داشته باشد.

■ الان فکرمی کنید جهت‌گیری چگونه است؟ درست است؟

خنثی است. ببینید شما الان ۴ سال دوره اول جناب آقای روحانی طی شد بدون اینکه اتفاقی بیفتد. در ادامه هم همین طور است.

■ خب آقای طیب نیا هم که با همان تفکرات بودند؟

نه، بنیابین بود. بدون اینکه یک قدم در اصلاح نظام بانکی برداشته شود. باین همه اشکالاتی که مطرح بود. دولت یک لایحه نداد. مجلس که باید در پی اصلاح نظام بانکی باشد، اقدام کرد. مجلس نهم که ما هم دیگر مطمئن شدیم دولت لایحه نخواهد داد و از ریاست جمهوری قبلی هم مایوس شده بودیم، و آخر کار ایشان بود دست به کار شدیم و یک طرح تهیه کردیم که الان هم این طرح در مجلس دهم در دستور کار است در کمیسیون اقتصادی دارند روی آن کار می‌کنند. کار طولانی شد ولی بخش اقتصادی دولت علی‌القاعده در اختیار وزارت اقتصاد هست و بانک مرکزی، اینها دارند و واکنش منفی نشان دادند بعداً که جلسات متعددی گذاشته شد و گفت و گو شد پیشنهادهای داشتند، یعنی انتقاداتی داشتند. انتقاداتشان اصلاح و بر طرف شد.

■ الان چطور؟ هنوز هم مخالفند؟

الان دیگر خیلی مخالفت جدی‌ای با آن طرح ندارند.